



۱۰

تعویق در بلیت‌فروشی «شهر خاموش»

وحید گلستان دبیر چهل و نهمین جشنواره فیلم رشد در گفتگو با جام جم

خیلی چیزها باید تغییر کند



گل به خودی اسرائیل

درباره فیلم مامور مخفی که ظاهری ضدایرانی و وابطنی ضد رژیم صهیونیستی دارد

۱۲



۱۱

فرهنگ جام جم

دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۲۷

پشت صحنه

پسران بد تحریریه

باور یفرمایید در میان روزنامه‌نگاران اهل قلم و علم و فصلیت و دانش هستند کسانی که می‌توانند به يك اتفاق ساده بند کنند و درباره گزارش‌هایی که نوشته‌اند، اطلاعات کافی در اختیار نگارنده این ستون قرار ندهند! چرا؟ چون قبلا به اندازه کافی، در ستون پشت صحنه به آنها توجه نشده و مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند! قهر کردن لزوما رفتاری متناسب به يك جنسیت خاص نیست ولی حتما می‌تواند به مسائل دیگری به جز آنچه بهانه می‌شود، ارتباط داشته باشد یا دست‌کم ما ترجیح می‌دهیم این طور فکر کنیم که پسرهای گروه از اوضاع نابسامان این روزها زودرنج شده‌اند، حق دارند از وضعیت حقوق و این حرف‌ها که بگذریم از دیروز برف و بنزین و اینترنت هم برای جان شده‌اند، به‌خصوص اینترنت که برای روزنامه‌نگار جماعت حکم هوا را دارد و حتی می‌توان گفت هوا را از من بگیر، اینترنت را نه! اجازه بدهید شرح پشت صحنه را به جای ابتدا، از انتهای این چهار صفحه شروع کنیم.

گزارش صفحه ۱۲ درباره فیلمی است به نام «مامور مخفی» که علی‌رستگار برایمان نوشته و از دایره‌المعارف ذهنی‌اش حساسی برداشت کرده تا نکات جالبی به بهانه نقد این فیلم از سینمای رژیم صهیونیستی به دست بدهد. همان‌طور که می‌دانید یا همین حالا حدس زده‌اید، فیلم ضد ایرانی «مامور مخفی» محصول سینمای رژیم صهیونیستی است. این فیلم داستانی دارد درباره نفوذ این رژیم به مرکز هسته‌ای کشورمان و در گزارش رستگار ضمن ارائه نقد فنی، محتوایی و مضمونی این فیلم، قیاسی از سینمای ایران و سینمای رژیم صهیونیستی ارائه شده که جذابیت‌های خاص خودش را دارد و از کسی بر نمی‌آید جز يك خبرنگار خوش‌حافظه خوره فیلم!

صفحه ۱۱ به گزارشی از جشنواره فیلم‌رشد اختصاص پیدا کرده که کار سازان قبیری است و شما را با زیر و بم این جشنواره آشنا می‌کند. افتتاحیه این جشنواره، کنار آمدن آن، اهداف و برنامه‌هایش از جمله اطلاعاتی است که درباره جشنواره رشد در گزارش خانم قبیری دستگیرتان خواهد شد.

در صفحه ۱۰ يك هممان داریم، همکارمان علی‌آقای مظاهری که در صفحه آخر روزنامه قلم می‌زند، برایمان درباره طاهره صفارزاده نوشته است، سالروز تولد این بانوی فرهیخته بهانه‌ای شده که مظاهری دست به گوشی بشود و با خیلی‌ها تماس بگیرد و با آنها فقط درباره ویژگی‌های شعری و زبانی بانو صفارزاده و نه سایر وجوه ادبی و شخصیتی ایشان گفت‌وگو کند. از میان تمام کسانی که مظاهری با آنها تماس گرفت محمدعلی بهمنی، فیض شریفی و اسماعیل امینی جواب تلفن را دادند و حاصل این تماس‌ها گزارشی است که در صفحه ادبیات و هنر در دسترس شماست. صفحه ۹ اما به گزارشی درباره کتاب «جام جهانی در جوادیه» اختصاص دارد که در جشنواره کتاب فرانکفورت در بخش اقتباس معرفی شد و همین بهانه فرصتی بود برای معرفی بیشتر و دقیق‌تر این کتاب، شرحش را همین جا بخوانید.



امروز سالروز طاهره صفارزاده شاعر، پژوهشگر و مترجم قرآن است! عکس: جام جم

۱۰

بررسی ویژگی‌های زبانی و شعری

طاهره صفارزاده در گفت‌وگو با چند شاعر

با پیداری بیعت داشت



داوود امیریان، نویسنده نوجوان از علایقش می‌گوید

مارک تواین باید به من حسادت کند!

داوود امیریان متولد ۱۳۴۹ کرمان است و تاکنون حدود ۳۰ عنوان کتاب از او به چاپ رسیده. امیریان فعالیت‌نویسنده‌گی خود را از سال ۶۹ با نوشتن خاطراتش از جبهه آغاز کرد و در حال حاضر در چند حوزه‌خاطره‌نویسی، ادبیات کودک و نوجوان، رمان، طنز، زندگی‌نامه داستانی شهدا و فیلم‌نامه‌نویسی قلم می‌زند. «فرزندان ایرانیم»، «رفاقت به سبک تانک»، «دوستان خداحافظی نمی‌کنند»، «داستان بهنام»، «تولد یک پروانه» و «جام جهانی در جوادیه» ازجمله معروف‌ترین آثار داستانی این نویسنده است که تاکنون چهار دوره جایزه کتاب سال ادبیات دفاع مقدس، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و ده‌ها جایزه دیگر را نصیب نویسنده‌اش کرده است. به گزارش هدهد، از دیگر آثار امیریان می‌توان به «آخرین گلوله صیاد» زندگی‌نامه داستانی شهید صیاد شیرازی و «داستان مریم» زندگی‌نامه داستانی شهید مریم فرحانپان اشاره کرد. این روزها و در آخرین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت هم کتاب «جام جهانی در جوادیه» او در بخش اقتباس مورد عرضه و معرفی قرار گرفت.

شما اهل جنوب هستید؟ اهل کرمان؟
نه من فقط در کرمان به دنیا آمده‌ام. اصلیت من کرمانی نیست. پدرم آذری است. او آدم آزادی بود که همیشه به مسافرت می‌رفت. به همین دلیل شهرهای مختلفی را تجربه کردیم. هرکدام از خواهر و برادرهای من هم اهل یک شهر هستند. من دو سال هم در آبادان زندگی کردم. سال ۵۷ مقیم قزوین شدیم و در سال ۶۰ به تهران برگشتیم.
کجا با فضای جنگ آشنا شدید؟
سال ۵۷ رفتم قزوین. کلاس اول بودم که انقلاب شد. ده سالم بود که جنگ شروع شد، یعنی سوم دبستان. سال ۶۱ به تهران آمدم. دلم می‌خواست بروم جبهه، اما نمی‌شد. چون سن و سالم کم بود. جئه کوچکی هم داشتم. سال ۶۴ رفتم جبهه، اما ربطی به آبادان نداشت.
اولین کتابی هم که چاپ کردید يك یادداشت نویسی در زمینه جنگ و جبهه بود، درست است؟
«خداحافظ کرخه» اولین کارم بود. خیلی خام و ابتدایی. خاطره‌نویسی است. از بچگی عاشق کتاب بودم. با این‌که خیلی شکمو بودم، ولی کتاب را بیشتر دوست داشتم. سال ۶۸ با دفتر مقاومت حوزه هنری آشنا شدم. بعد اعتماد به نفس پیدا کردم و تصمیم گرفتم بیشتر در حوزه‌ای که علاقه دارم، کار کنم.
یعنی حوزه دفاع مقدس؟
اسمش را هرچه بگذاریم مهم نیست، ولی بله.
برای نویسنده شدن کلاس هم رفتید؟
نویسنده‌گی را در کلاس‌های نویسنده‌گی نمی‌شود یاد گرفت. فقط پله اول را به شما نشان می‌دهند. پشتکار و استقامت نویسنده، راه را به او نشان می‌دهد. من بیشتر با مطالعه این کار را یاد گرفتم.

مثلا به نظر شما داستان‌های جلال آل احمد را يك نوجوان نمی‌تواند بخواند؟ می‌تواند. بزرگ‌ترها هم آن را می‌خوانند.
تابه حال داوری کارهایتان را بچه‌ها انجام داده‌اند؟
بله خوشبختانه. بسیار هم زیاد. برای من کلی نامه نوشتند. توی همین نمایشگاه کتاب امسال هم نشست‌هایی با بچه‌ها داشتم.
سری قبل که برای انتخاب رمان تان به عنوان بهترین رمان طنز به کانون پرورش آمده بودید، خاطراتی را از زمان جنگ تعریف کردید که برای همه بچه‌ها دوست‌داشتنی بود و هیچ‌کس خسته نشد. بچه‌ها می‌گفتند که این داستان‌ها خیلی جذاب است و فضای تکراری ندارد. تاثیرگذاری کلام شما زیاد است.
هرکسی يك توانایی دارد. اتفاقا من توانایی کلامی بالایی ندارم. شاید خوب بنویسم، ولی عادت ندارم زیاد حرف بزنم. صدایم می‌گیرد. زمانی که ما می‌خواستیم داستان بنویسیم، خیلی کم بودند کسانی که دست ما را بگیرند. الان بچه‌ها خیلی از نویسندگان را می‌شناسند و با آنها ارتباط دارند. من دوست دارم تاثیرگذار باشم، ولی فکر می‌کنم با همین داستان‌ها خیلی بیشتر از کارگاه گذاشتن می‌توانم اثرگذار باشم.

رقیب هم دارید؟
من عاشق این هستم که داشته باشم؛ ولی متأسفانه رقیب‌ای شعری خیلی زیادند؛ ولی در بخش داستان خیلی کم هستیم و این خیلی بد است.
به بچه‌ها پیشنهاد می‌کنید موضوع داستان‌هایشان را از کجا پیدا کنند؟
به طور کلی حرف می‌زنم. من به این‌که گروه‌ها را از هم جدا کنیم، اعتقادی ندارم. موضوع‌ها دور می‌روند. همین روزنامه را که ورق بزنید، دست‌کم دو موضوع برای نوشتن پیدا می‌کنید. چند روز قبل وقتی مجله را ورق می‌زد، نوشته بود يك سگ گم می‌شود و برای پیدا کردن خانه‌اش ۷۰۰ کیلومتر راه می‌رود. این خودش يك موضوع است. بزرگ‌ترین سرمایه انسان تجربه است؛ باید دقت کرد، خوب دید و خوب شنید. هراسانی اگر حتی در يك جزیره دورافتاده هم به تنهایی زندگی کند، ماجرای زندگی‌اش موضوع چندان خواهد شد.
چقدر برای نوشتن يك رمان وقت می‌گذارید؟
فرق می‌کند. گاهی فقط چهار، پنج سال به موضوعی فکر می‌کنم و گاهی هم اتفاق افتاده در مرحله حروفچینی کار را ویرایش کرده‌ام و برای این‌کار کلی زمان صرف شده

و در آخر حتی فصل‌ها را تغییر دادیم.
کارهایتان را تایپ می‌کنید یا می‌نویسید؟
می‌نویسم. متأسفانه تایپ بلد نیستم. دستخط بدی هم دارم.
کدام کارتان را بیشتر دوست دارید؟
«دوستان خداحافظی نمی‌کنند» و «گردان قاطرچی‌ها»، جام جهانی در جوادیه هم قرار است تبدیل به سریال شود. کتاب ادامه دارد. جشنواره جهانی در جوادیه، البته منتظرم تا يك کارگردان خوب آن را بسازد. مثلا اگر کیومرث پوراحمد بخواهد آن را بسازد، حاضرم مجانی هم کار را به او بدهم.
اسم آخرین کتابی که خواندید؟
آخرین اثر رضا امیرخانی را می‌خوانم. چند کار ترسناک خواندم که خیلی بد بودند. من هری پاتر را خیلی دوست داشتم. البته آن هم از جلد سوم سیاسی شد. آخرین کار نوجوانی که خواندم فکر کنم «تن تن» بود.
شعر هم می‌گویید؟
نه، اصلا استعدادش را ندارم. يك بار شعر گفتم برای هفت‌پشتم بس بود. خیلی آبکی از کار درآمد.
هنری بوده که دوست داشته‌اید وارد آن شوید و آن را تابه حال انجام ندهاید؟
سفالگری.
شما نویسنده کم‌کاری هستید یا پرکار؟
قبلا نویسنده پرکاری بودم. الان متأسفانه کم‌کار شده‌ام. چند سال است که به دلیل مشکلات مالی به سمت سینما رفتم. فیلم‌نامه می‌نویسم.
چه فیلم‌هایی؟
فیلم نفوذی و گلوگاه شیطان. داستان گلوگاه شیطان به نظرم جالب بود.
سینما هم می‌روید؟
من عادت دارم با همسر هم جا می‌روم. این روزها که فرزندانم کوچک هستند، نه، فرصت سینما رفتن ندارم. خیلی سال است که سینما نمی‌روم.
دوست داشتید جای کدام نویسنده، داستانی را می‌نوشتید؟
هاکلبری فین اثر مارک تواین. البته شاید او هم باید به من حسادت کند که داستان‌های من را نوشته.



ناشر علیه کتابفروش

عصر دیروز اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران با حضور خبرنگاران به بهانه هفته کتاب نشست برگزار کرد. در این نشست موضوعات متنوعی ارائه شد که دامنه وسیعی از کاغذ پارانها ای تا کتابفروشی‌های کوچک شهری را شامل می‌شد؛ اما یکی از مباحث جالب در این نشست را هومان حسن‌پور، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران مطرح کرد. او ضمن پاسخ دادن به سوالات متعدد خبرنگاران، تصریح کرد: هر جا که بنا بر حمایت از کتابفروشی‌ها بوده، خودمان رقیب آنها شده‌ایم. رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران براساس گزارشی که مهر منتشر کرده، درباره برنامه‌های اتحادیه در هفته کتاب امسال توضیح داد: ما ناور اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در هفته کتاب دقیقا بر توسعه و توجه به کتابفروشی‌های کوچک است. از نگاه حسن‌پور، رابطه میان مخاطب و کتاب در کتابفروشی‌های کوچک خیلی بیشتر از هر جای دیگری است، اما این نکته فراموش شده و از همین روست که بودجه‌های حمایتی چندانی به این کتابفروشی‌ها اختصاص داده نمی‌شود. به عبارتی رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بر این باور است بودجه حمایتی باید به کتابفروشی‌های کوچک اختصاص پیدا کند. حسن‌پور در ادامه همین میثت، درباره تعطیلی اخیر برخی کتابفروشی‌ها گفت: بعد انقلاب از نشر حمایت شده است، اما از کتابفروشی‌ها نه. هر جا که بنا بر حمایت از کتابفروشی‌ها بوده، خودمان رقیب آنها شده‌ایم و با هزینه دولتی، کتابفروشی‌هایی تأسیس شده که کتابفروش بدون حمایت نمی‌تواند با آنها رقابت کند. او تصریح کرد: کتابفروش تمام سال را صبر می‌کند تا به دوران اوج فروش کتاب که مقاطع زمانی خاصی است، برسد اما همان زمان ده متر آن طرف‌تر نمایشگاه برپا می‌کنیم. به نظر رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان، دانمی بودن فروگاه‌ها و ویتترین‌های کتاب بر بزرگی و کوچکی کتابفروشی‌ها اولویت دارد. حسن‌پور در این باره توضیح داد: وقتی با سیاستگذاران فرهنگی بحث می‌کنیم به این اشاره می‌کنند که ما ویتترین کتاب نداریم و این را می‌دانیم، اما مساله این است که این ویتترین باید توسط چه کسی و چگونه ایجاد شود، این ویتترین باید دائمی باشد یا موقت؟ اینجاست که نیاز به ایجاد ویتترین دائمی برای کتاب احساس می‌شود و این به بزرگ یا کوچک بودن کتابفروشی‌ها هم ارتباطی ندارد. در نشست اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران موضوعات متنوع دیگری نیز طرح شد و رئیس این اتحادیه به پرسش‌های خبرنگاران درباره این موضوعات پاسخ داد که از آن جمله می‌توان به وضعیت کاغذ پارانهای، فعالیت‌های کارگروه صیانت از حقوق ناشران و مؤلفان و مترجمان اتحادیه، حضور و فعالیت صنف در شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران، وضعیت کشف انبارهای قاچاق کتاب و تعطیلی اخیر برخی کتابفروشی‌ها اشاره کرد.